



تاریخ ادبیات عرب (المنهج فی تاریخ الادب العربی)، تألیف دکتر عبدالحسین فرزاد، انتشارات سخن، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۴.

- س ۱۱: یجب للباحث ے یجب علی الباحث است .
 س ۱۲: الاوروباً ے الاوروبیة
 س ۱۳: متجسمة با جمله سازگار نیست . شاید منظور مؤلف از آن متجسده یا منبثقة باشد .
 صفحه ۱۰
 س ۲: فاذا ے فاذا یا فاذن است .
 س ۱۲: بهذا الكتاب ضعيف است و به فارسی نزدیک تر است .
 س ۱۳: الادب العربیة ے الادب العربی است زیرا الادب مذکر مجازی است و باید صفت آن نیز مذکر باشد .
 س ۱۴: یذهبان الی الامام ے یقدمان
 صفحه ۱۲
 س ۶: ومن الواجب اخیراً؛ بهتر است گفته شود و من الواجب علی
 س ۶: لاستاذی ے استاذی است . زیرا کلمه اشکر بدون حرف لام متعدی می شود .
 صفحه ۱۳
 س ۲: اسقم ے اسقم است .
 صفحه ۱۴
 س ۵: اطلق ے اطلقه است .

نقدی بر کتاب

تاریخ ادبیات عرب

عبدالجبار زرگوشی

- بی مقدمه باید بگویم هنگام تدریس این متن درسی به اشتباهاتی برخوردیم که باید آنها را بر چند نوع تقسیم کرد:
۱. برخی از عبارات و واژه‌ها به معنای فارسی استعمال شده، گرچه کلمات آن عربی یا مشترک بین دو زبان است. بسیاری از عبارات کتاب برای یک عرب زبان که هیچ آشنایی با زبان فارسی ندارد، گنگ و نامفهوم است، تنها کسی متوجه منظور نویسنده می شود که با زبان فارسی آشنایی داشته باشد؛ مانند کلمه تحصیلاً در جمله «وکان لهم حظّ وافر فی العلم تحصیلاً و ترجمه» (صفحه ۵۱) و مانند کلمه کانوناً در جمله «و تصیر کانوناً للحوادث» (صفحه ۱۳۱) از این گونه موارد زیاد به چشم می خورد:
 ۱. اشتباهات فراوانی میان مذکر و مؤنث .
 ۲. استعمال حروف جر با افعالی که استعمالشان با آن افعال درست نیست .
 ۳. اشتباهاتی در اعراب گذاری .
 ۴. مؤلف محترم عباراتی بریده از کتاب های دیگر در این کتاب آورده و بخوبی نتوانسته میان عبارات، انسجام و هماهنگی ایجاد کند، و برخی از عبارات ناقص آمده است . گاهی عبارات را از متنی آورده است که به مطلب قبل اشاره دارد، ولی مشارالیه در این کتاب حذف شده است . به برخی از این اشتباهات با ذکر صفحه و سطر در زیر اشاره شده است :
 - صفحه ۹
یوجد (سطر ۷) نادرست و درست آن(ے) توجد است، زیرا الحضارة مؤنث است و فعل بعد از آن ذکر شده است .
سطر ۸: وای فن اخف ے وای فن اخف است .
س ۹: اولاد العرب ے ابناء العرب استعمال می شود .

ارتباط جمله به قبل سست و بریده می شود.

صفحه ۳۶

س ۲: امتازوا به بنوامیه ← امتاز به بنوامیه است. چون هنگامی که فاعل اسم ظاهر باشد فعل با آن مفرد می آید.

س ۸ و ۹: فعادت تلك العصبیات الى الاستيقاظ من جدید نادرست و بهتر است گفته شود فاستيقظت تلك العصبیات من جدید.

صفحه ۳۷

س ۱: مع ابی مسلم نادرست است چون به کار بردن «مع» اینجا اشتباه است و در جمله بی معنی است. ظاهراً منظور مؤلف محترم بقیاده ابی مسلم است.

س ۴: علی لسان نامفهوم است ظاهراً منظور مؤلف کتبها علی مولاه یا نیابة عنه باشد.

صفحه ۳۸

س ۱۸: خطبها الى ایبها نادرست است؛ (معنایش این می شود که او را برای پدرش خواستگاری کرد!) صحیح این است: خطبها من ایبها

صفحه ۴۰

س ۷: حتی فی الحج الی البیت الحرام ← حتی فی حج بیت الحرام است؛ چون ارتباط کلمات جدید خیلی سست و غلط است.

صفحه ۴۱

سطر آخر: اشرنا الیها؛ مشارالیه در این کتاب ذکر نشده است. ظاهراً مؤلف این عبارت از ذیل متن کتابی دیگر آورده و متوجه آن نشده است.

صفحه ۴۳

س ۲: ادخل القصص بهتر بود ادخلت القصص را می آورد. ولی این جمله در ترکیب عبارت کتاب از لحاظ معنی درست نیست. علاوه بر آن تعدی با (علی) ضعیف است و استعمال نمی شود و باید می گفت: وقد ادخل القصصون فیما بین المسلمین کثیراً من اساطیر...

س ۷: نُقَاد ← نُقَاد است.

ابعد العرب صحیح نیست و باید یا أبعد العرب یا أبعدوا العرب باشد.

صفحه ۴۶

س ۶: بعربیات ← العربیات است؛ زیرا تزویج بدون حرف جرّ متعدی می شود.

س ۱۰ و ۱۱: وقد اراد من دخل الاسلام منهم یمكنُ لنفسه بالنبوغ فی العلم عبارت مبهم و گنگ است.

س ۱۸: العربیتهم ← لعربیتهم است. زیرا عربیه اضافه شده است پس نمی تواند الف و لام بگیرد.

س ۶: لاوثان ← الاوثان است.

س ۱۴ و ۱۵: القبلیة ← القبلیة است. زیرا هر اسمی بر وزن فعیلة بیاید یاء در آن حذف می شود و ماقبلش مفتوح می گردد.

صفحه ۱۷

الحیة الادبیة ← الحیة الادبیة است. زیرا صفت و موصوف باید از لحاظ اعراب مانند هم باشند.

صفحه ۱۸

س ۱۵: الفقیر لا مال له بهتر بود: الفقیر الذی لا مال له به کار رود.

صفحه ۲۲

س ۱۴: من طبعه ← فی طبعه است. من طبعه در عربی استعمال نمی شود.

س ۱۶: تنوِّف نادرست است، زیرا استعمال این کلمه در جایی است که چیزی ارائه یا بررسی شود ولی مؤلف محترم این کلمه را در عبارتی به کار برده است و بعد از آن چیزی بررسی نکرده و ارائه نداده است.

س ۱۹: من طبیعته ← فی طبیعته است.

س ۱۹: عفواً ← عفوياً است، میان معنای دو کلمه تفاوت زیادی است، در حالی که منظور مؤلف از کلمه عفواً در جمله کلمه عفوياً است و در غیر این صورت جمله بی مفهوم است.

صفحه ۲۵

س ۹: توسیع ← توسع است. بهتر بود از کلمه انتشار استفاده می کرد.

س ۱۳: مدنیتین ← حضارتین می باشد.

صفحه ۲۶

س ۳: غیرهما ← غیرها است. چون مرجع ضمیر (ها) سه اسم غیر عاقل است (یعنی مصر، بابل و آشور) و در این صورت باید ضمیر مؤنث به آنها برگرداند ضمیر ثنیه

س ۳: کُلُّهُمَا ← کُلُّتَاهما است. در صورتی که منظور دو تمدن باشد و اگر منظور تمدن ها باشد باید گفته شود کُلُّها

س ۵: الشعوب الرّاقیة ← الشعوب المتقدمة می باشد.

س ۱۳: نشر الثقافة العالم الاسلامی ← نشر الثقافة فی العالم یا فی نشر ثقافة العالم الاسلامی است.

س ۱۴: مؤسّسة ← قائمه یا مبنیه است.

صفحه ۲۷

س ۱: عن ← وعن است.

س ۱۰: وعلى الجملة ← بالجملة یا فی الجملة است؛ چون علی با کلمه الجملة استعمال نمی شود، اگرچه حتی واژه جمله اینجا نیز ایراد دارد.

صفحه ۲۸

خطبة قهیره ← خطبته الشهیره است؛ زیرا در غیر این صورت

صفحه ۵۱

س ۱۰: فی تشجیعاً للترجمة غلط است و درست آن است: تشجیعاً للترجمة بدون حرف فی یا اینکه فی تشجیعهم للترجمة است.

س ۱۲: تحصیلاً ے تنها به معنای فارسی به کار برده شده است. سطر آخر: الفارسیة ے الفارسیة (مرفوع) است.

صفحه ۵۳

س ۴: ملاء ے ملاء یا ملاءهی است. کلمه ملاء هیچ معنایی ندارد. س ۵: کانت بقیہا معینة علی کلمه معینہ. در اینجا هیچ سازگاری ندارد.

س ۱۰: مداحاً ے مداحین است.

صفحه ۵۴

س ۱۸: ومن المداح ے و من المداحین است.

صفحه ۵۵

س ۴: وسطرها آوردنش اینجا اشتباه است.

صفحه ۵۶

س ۴: کبرها در این عبارت نامفهوم است.

س ۱۴: وشموله لکبیر الاشیاء وصغیرها ترکیب فارسی است.

صحیح آن وشموله لكل کبیرة وصغیرة است.

صفحه ۵۸

س ۳ و ۴: یرید الامامة فیهم ے یرید الامامة لهم یا یرید الامامة فیهم می باشد.

صفحه ۶۰

س ۱: ناعماً این واژه برای شعر و غزل به کار برده نمی شود.

س ۲: القولون ے القریلون است.

علی الغزل ے فی الغزل

س ۶: جاریته در این عبارت نامفهوم است.

س ۱۶: الاسلامیة ے الاسلامی است.

صفحه ۶۲

س ۱۲: حملة الموفقة ے حملته الموفقة می باشد.

صفحه ۶۳

س ۱۳: وقد المدائن مرآة للعبرة (ترجمة شعر فارسی) ے و اعلم ان المدائن مرآة للعبرة و نیز درست است گفته شود و احب ان المدائن مرآة للعبرة است.

صفحه ۶۵

س ۱۵: واحتاجوا الی ترجمة کثیرة من کتب الحضارات ے واحتاجوا الی ترجمة لکثیر من کتب الحضارات است.

صفحه ۶۸

س ۸: وحصل العلوم الواسعة اولاً عبارات ضعیف است و ثانیاً باید کلمه «علی» آورده شود (وحصل علی العلوم الواسعة). کلمه واسعه نیز به عنوان صفت علوم مناسب نیست.

صفحه ۶۹

س ۱۰: الذي دار حول الدين ے التي دارت حول الدين است. س ۱۰ و ۱۱: القصص الديني ے القصص الدينية است. چون القصص جمع قصه است، پس صفت آن باید مؤنث باشد. س ۱۱: ينشرها بين الناس جماعة من الناس این عبارت ضعیف است و ينشرها بين الناس جماعة است.

س ۱۴: والتاريخ ے والتاريخ است.

س ۱۶: سيرة ے سيرها

س ۱۶: نسابور ے نيسابور

س ۱۷: القصص الفلسفي ے الفلسفية

س ۱۸: اللغوي ے اللغوية

صفحه ۷۱

س ۲: كمية اكثر مما كيفية عبارت ضعیف و ترکیب سست است.

س ۵: من فطرته ے فی فطرته

صفحه ۷۴

س ۸: موضعية نامفهوم و درست نیست.

ص ۸۰

س ۱۶: علی کل جملة ے فی کل جملة

س ۱۷: وقعت لانسان و اكثر عبارات سست و ضعیف است.

صفحه ۸۱

س ۳: اختلط العرب بالفارسيين ے اختلط العرب بالفرس

س ۴: وقرأوا بها عرفوا عنهم اكثر این عبارت فارسی است.

س ۵: اول ے اولی

صفحه ۸۲

س ۶: ولما عقل استعمال نمی شود.

س ۱۲: وان كان لم يعثر الا علی خمسين منها كان زيادی است.

صفحه ۸۴

س ۱۶: فتطرق القول ے فتطرق القول

س ۱۹: الحكم الفصل في مسائل النقد مع الثقافة: التي تعين علی

تكوين ے الحكم الفاصل في (مسائل) النقد والثقافة: التي

تساعد علی تكوين ...

صفحه ۸۵

س ۳: و فريق آخر تحرر من بناء الحكم علی العصر عبارت نامفهوم است.

س ۱۸: كثير ے كثير (مفتوح)

صفحه ۸۷

س ۴: وقد نقص عيشة قيام العامة عليه این ترکیب فارسی است

مخصوصاً آوردن کلمه قيام در اینجا و باید از کلمه انتفاضة یا ثار

استفاده می شد.

صفحه ۸۹

س ۱: عكاه ے عكاه

معلوم نیست زیرا مؤنثش که مناسبت با آن ضمیر باشد، ذکر نشده است و همچنین آتی، کلمه القائد مذکر است و جمله نامفهوم و بی معنی است.

س ۱۰: وخلق نبأ وفاته اسفاً عاماً وازہ اسفاً اینجا جایش نیست.

س ۱۱: مکانه ے مکانة

صفحه ۱۴۳

س ۱۲: صباء ے صباه

س ۱۳: وبخاصة ے وخاصة یا بالأخص

صفحه ۱۴۵

س ۱۳: هذه النشاء ے هذه النشأة

صفحه ۱۴۶

س ۳: و کُلُّها دو اوین کتاب جیب ... بی معنی و بی ربط است، و ضمیر «ها» مرجعی ندارد و کلمه دو اوین به کتاب اضافه شده است، در حالی که قبل از این عبارت از یک دیوان نام برده شده است.

س ۷: و کثیر غیرها این ترکیب فارسی است (به لحاظ معنایش).

صفحه ۱۴۷

س ۱۲: سألہ ے طلب منه . درست است که سأل در بعضی مواقع به معنای طلب است، ولی اینجا جایش نیست.

صفحه ۱۴۹

س ۱۴: وقضایا الانسانی ے وقضایا الانسانیة

صفحه ۱۵۰

س ۹: زار الفیتوری مؤخرأ عام ۱۹۷۰م الاردن (فیتوری اخیراً در سال ۱۹۷۰ میلادی از اردن دیدار کرد) در حالی که این کتاب در تابستان سال ۱۳۷۴ هجری چاپ شده است یعنی ۲۶ سال قبل از چاپ این کتاب فیتوری از اردن دیدار کرده است و مؤلف کلمه اخیراً را به کار برده است. ظاهراً مؤلف محترم این عبارت را از کتابی گرفته است که در سال ۱۹۷۰ میلادی به چاپ رسیده است و مؤلف متوجه آن نشده و یا اینکه در آن و معنی آن تأمل نکرده است. و اگر مؤلف اشاره به نقل قول می کرد، ایراد وارد نبود، ولی هیچ اشاره ای نکرده است.

صفحه ۱۵۱

س ۲: آدمیة السُود فارسی است.

س ۱۱: فُصل ے فُصل (مجهول)

صفحه ۱۵۳

لُغتهُ الخاصة (مرفوع) ے لغته الخاصة (منصوب)

صفحه ۱۵۹

س ۳: نجعلُ المقال في غادة السمان لرجال الادب ے نترك المقال عن غادة السمان لرجال الادب المعاصر.

○

صفحه ۱۲۸

س ۳: تخرُّجه مدرسة الحقوق ے تخرُّجه من مدرسة الحقوق

س ۶: اوائل العُشر الثالثه ے اوائل العقد الثالث

صفحه ۱۲۹

س ۸: وتولى منصب مدير جامعة الاسكندريته ے وتولى منصب

رئاسة جامعة الاسكندرية یا اصبح رئيساً لجامعة الاسكندرية.

س ۱۴ و ۱۵: وتيارات الأدب الغربي المعاصري ے وتيارات

الادب العربي المعاصر

س ۱۳: ودراسات ے ودراسات چون بر دراسات ادبیه عطف

شده است و در صورت عدم عطف معنای چند جمله به هم می خورد و ناقص باقی می ماند.

س ۱۶: الايام ے والایام

صفحه ۱۳۰

س ۳: من رجل عربي ے لرجل عربي

صفحه ۱۳۱

س ۷: تنتهي ے تنتهي (ظاهراً غلط چاپی است).

س ۱۲: غير ملتزم ے به معنای فارسی اش استعمال شده

است.

س ۱۸: الصحفية ے الصحافة

طفوليته ے طفولته

کاتباً مصریاً ملتزماً ے کاتباً مصریاً رسالياً

صفحه ۱۳۲

س ۲: الشعب المصرية العريقة ے الشعب المصري العريق

(چون الشعب مذکر است)

صفحه ۱۳۳

س ۹: العزة النفسية ے عزة النفس

شعر فخري ے شعر في الفخر

صفحه ۱۳۴

س ۱۷: جاء منها ابو جميل ے ولدت له ابا جميل

صفحه ۱۳۷

س ۲: وعدم لابتكار ے وعدم الابتكار

صفحه ۱۳۸

س ۱۸: دورها الهام ے ودورها الهام

صفحه ۱۳۹

س ۱۷: تکرهما ے تکرهما

س ۱۶: مثال العالمي نامفهوم است.

صفحه ۱۴۲

س ۴: حينما كانت سن الشاعر ے حينما كان سن الشاعر زيرا

منظور از سن اینجا عمر است نه دندان.

س ۴: ويشمل القائد التي نظمها في مصر مرجع ضمير مؤنث